

## بررسی مهارت‌های اساسی دانشجویان در عصر جهانی شدن

مرضیه عبدالوهابی<sup>۱\*</sup>، یونس رومیانی<sup>۲</sup> و سکینه ظریف<sup>۳</sup>

### چکیده

امروزه، مهارت عنصر اصلی در موفقیت سازمانی و پیشرفت فردی و همچنین، عاملی اساسی در به‌کارگیری نیروی انسانی در بازار کار محسوب می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی مهارت‌های اساسی دانشجویان در عصر جهانی شدن بود. این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی پیمایشی بود. جامعه آماری دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۸۹ بودند. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی طبقه‌ای از بین دانشجویان رشته‌های تحصیلی علوم انسانی، علوم پایه و کشاورزی، فنی- مهندسی و دامپزشکی و حجم نمونه انتخابی ۳۳۴ نفر بود. ابزار پژوهش پرسشنامه محقق ساخته با پایایی ۰/۸۹ بود و روایی صوری و محتوایی آن را چند نفر از متخصصان روانشناسی و علوم تربیتی تأیید کردند. یافته‌ها نشان داد که میانگین مهارت‌های دانشجویان این دانشگاه در سطح تقریباً متوسط (۳/۴۲) قرار دارد که کمترین میانگین مربوط به مؤلفه سواد رایانه‌ای (۲/۹۸) و بیشترین میانگین مربوط به کار گروهی (۳/۹۶) بود. میانگین مهارت‌های دانشجویان نسبت به میانگین مطلوب تفاوت معنادار داشت. به طوری که میزان مهارت مسئولیت‌پذیری و کار گروهی به‌طور معناداری از میانگین مطلوب بالاتر، اما میزان مهارت‌های دانشجویان در ایجاد ارتباط، حل مسئله، انعطاف‌پذیری و سواد رایانه‌ای به‌طور معناداری از میانگین مطلوب (۳/۵) کمتر بود. از دیگر نتایج این پژوهش وجود داشتن تفاوت معنادار بین میانگین مهارت‌های ارتباطی، مسئولیت‌پذیری و کار گروهی در دانشجویان زن و مرد و نیز وجود داشتن تفاوت معنادار میانگین سواد رایانه‌ای بین دانشجویان رشته‌های مختلف و سال‌های مختلف تحصیلی بود.

**کلید واژگان:** جهانی شدن، حل مسئله، مهارت ارتباطی، انعطاف‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، کار گروهی، سواد رایانه‌ای.

۱. دانشجوی دکتری برنامه درسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

\* مسئول مکاتبات: Marzeyeh\_abdolvahabi@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران: unes.romiani@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران: zarif\_s62@yahoo.com

پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۲

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱/۵

## مقدمه

جهانی شدن زنجیره‌ای از دگرگونی‌هاست که عرصه‌های گوناگون فرهنگ، سیاست و اقتصاد کشورهای جهان را در بر گرفته و روابط متنوع و متقابلی میان واحدهای مستقل ملی برقرار ساخته است. از جمله زمینه‌هایی که بسیار تحت تأثیر جهانی شدن قرار دارد، نظام‌های آموزشی، کارآموزی و مهارت‌سازی در سطوح جهانی، ملی و محلی است (Mehralizadeh, 2008). پیش‌فرض‌های قرن بیست و یکم در باره جهان به سرعت در حال تغییر است و نگرانیها و تقاضاهای جدید از دانش‌آموختگان را ایجاد کرده و توقعات جامعه را از نیروی انسانی تحصیل کرده تغییر داده است (Mansilla & Jackson, 2011, As cited in Tahmasby, Pezeshky Rad & Shabany Ghomy, 2011). در عصر فراصنعتی حاضر اهمیت کار ی‌دی، اشتغال و حتی زندگی به شیوه عصر سنتی و صنعتی کاسته شده و به جای آن، نیروی انسانی کیفی با توان خلاقیت و نوآوری و با به‌کارگیری فکر و اندیشه اهمیت پیدا کرده است. در چنین فضایی که تفکر و اندیشه ارزش محسوب می‌شود، جوامعی به توسعه دست می‌یابند که از منبع انسانی دارای فکر، ایده و ارزش‌آفرینی، دارای مهارت و تخصص در حیطه‌های خاص و سطح بالاتر، انعطاف‌پذیر در مقابل تحولات، قادر به یادگیری مستقل و مداوم، آگاه از ویژگیها و مسائل فرهنگی، اجتماعی، زیست محیطی و ارزشهای اخلاقی و معنوی، دارای روحیه مدنی مشارکت‌جویانه و فعال و در نهایت، قادر به تفکر انتقادی، حل مسئله و مهارت‌های ارتباطی، حداکثر بهره‌وری را داشته باشند (Hosseini Largani, MirArab & Rezaei, 2009; Bourn, 2008, p. 9). به‌طور کلی، موفقیت در اقتصاد مبتنی بر دانش، مستلزم مهارت داشتن در مجموعه‌ای از دانش جدید و قابلیت‌ها مانند مهارت‌های آموزشی یا تحصیلی چون داشتن سواد، دانستن و تسلط به زبان خارجی، ریاضیات، مهارت‌های علمی و توانایی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، مهارت‌های ارتباطی و کار با افراد نامتجانس است (World Bank, 2003, Translate by Emadzadeh & Kesaeian, 2009, p. 45). در سالهای اخیر، معلمان، کارفرمایان و سیاستگذاران بر نظام‌های ارزشیابی تأکید دارند که توانایی دانش‌آموزان و دانش‌آموختگان را در تفکر سطح بالا و حل مسئله ارزیابی و مهارت‌ها و دانش را همسو با محلهای کاری جهانی و مبتنی بر فناوری قرن بیست‌ویکم پیگیری کنند (Partnership for 21st Century Skills, 2007, p. 21). منسیلا و جکسون (Mansilla & Jackson, 2011) در این باره می‌گویند که رشد وابستگیهای جهانی به تربیت افرادی نیاز دارد که بتوانند به‌طور اثربخش به حل مسئله بپردازند و به‌طور همزمان در منطقه، کشور و جامعه جهانی زندگی کنند. دانشجویان نیز برای مشارکت در جهان امروز و فردا به فراگیری توانمندیهای جهانی نیاز دارند. هر نظام آموزشی در تلاش است تا از طریق طراحی و تدوین برنامه‌های درسی مشخص، انواع مختلف دانش و مهارت‌ها را به دانشجویان انتقال دهد و آنها را برای به عهده گرفتن نقشها و مسئولیت‌های زندگی واقعی آماده سازد. یکی از چالش‌های پیش روی جوامع مختلف، دانش‌آموختگانی

هستند که توانایی و مهارت لازم برای زیستن در عصر حاضر را ندارند؛ به همین دلیل، آماده‌سازی دانش‌آموختگان دانشگاهی از طریق توسعه مهارت‌های اساسی و پایه جهانی ضروری است. دانشگاه به‌عنوان اصلی‌ترین نهاد توسعه نیروی انسانی متخصص در مسیر دستیابی به توسعه پایدار مبتنی بر ملاحظات جهانی شدن نقش حساسی را در این زمینه بر عهده دارد (Arasteh, 2009, p. 48).

ارزیابی دانشجویان در زمینه مهارت‌های اساسی عصر کنونی برای تعیین توانایی برنامه‌های کنونی دانشگاهها در تربیت دانشجویان مورد نیاز عصر حاضر از استلزامات برنامه‌های ارزیابی برنامه‌های آموزش عالی کشور است. در پژوهش حاضر به‌عنوان گامی در این زمینه برخی از مهارت‌های اساسی عصر جهانی از جمله مسئولیت‌پذیری، مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله، انعطاف‌پذیری، مهارت رایانه‌ای و توانایی کار گروهی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران بررسی و ارزیابی شده است. مسئله اصلی در پژوهش حاضر این بوده است که آیا دانشجویان دانشگاه شهید چمران از مهارت‌های اساسی عصر جهانی شدن در سطح مطلوب برخوردارند؟

### مبانی نظری و پیشینه

کوبو و کرافورد (Kubow & Crawford, 2011, As cited in Javdany, 2010) قدمت مفهوم جهانی شدن را به هزاره‌های پیشین تاریخ بشریت استناد می‌دهند. پدیده جهانی شدن دو جهت دارد: یکی از سلطه، استعمار و گسترش غرب حکایت دارد که به جهانی شدن سلطه سیاسی استعمار انجامید و دیگری بر مبنای اندیشه‌های انسان‌گرایانه، بین‌المللی و دانش جمعی بشری است که با خرد انتقادی ایجاد شده در تمدن غربی رو به رشد شکل گرفت. ریشه‌های روند جهانی شدن را می‌توان در وضعیت نوین اقتصادی ناشی از صلح پس از سال ۱۹۴۵، ظهور قدرت ژئواستراتژیک شوروی و نیز سلطه ایالات متحده آمریکا بر جهان جست‌وجو کرد. جهانی شدن نظام اقتصادی بازار آزاد که از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، با فروپاشی کشور شوروی و سقوط نظام جهانی دوقطبی در دهه ۹۰ به اوج خود رسید. این حرکت در سایه ایجاد جهانی واحد در ساختار نظام سلسله مراتب جهان و از سوی ایالات متحده رهبری می‌شود (Ahmadipour, Kavandye Kateb & Mirzaeitabar, 2010). جهانی شدن فرایندی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که یک نظام واحد از ارزشها، معانی و فعالیتها را در جنبه‌های مختلف در سطح جهانی به‌وجود می‌آورد و نوعی انسجام در ابعاد مختلف از جمله تعلیم و تربیت فراهم می‌سازد، به‌گونه‌ای که اهداف، برنامه‌ها، جهتگیریها، شیوه‌ها و محتوای تعلیم و تربیت به سمت یک نظام واحد جهانی در این زمینه حرکت کند (Maroofy & Yosefzadeh, 2009).

آنتونی گیدن<sup>۴</sup> در ساده‌ترین تعریف، جهانی شدن و سیاره‌ای شدن جهان را مفهومی می‌داند که به تراکم جهان، افزایش آگاهی در باره جهان به‌مثابه یک کل، وابستگی متقابل در قلمرو جهان و آگاهی از

4. Antony Giden

یکپارچگی جهانی در قرن بیستم اشاره دارد و در واقع، نگرش به جهان به‌مثابه یک کل و وابستگی متقابل است (Vartz, 2001).

فرایند جهانی شدن ابعاد مختلفی را شامل می‌شود که مهم‌ترین آنها جهانی شدن اقتصاد، جهانی شدن فرهنگ، جهانی شدن تعلیم و تربیت و جهانی شدن سیاست و محیط زیست است. در این مقاله به یکی از مهم‌ترین و شاخص‌ترین ابعاد آن؛ یعنی بعد تعلیم و تربیت پرداخته شده است.

**جهانی شدن و تعلیم و تربیت:** ایجاد رقابت شدید در عرصه جوامع یکی از ویژگی‌های جهانی شدن است که بر نظام‌های تعلیم و تربیت تأثیر زیادی دارد و اصلاحاتی مانند توجه بیشتر آموزش و پرورش به انسان، تمرکززدایی، مدنظر قرار دادن معیارهای بالاتر آموزشی، روی آوردن به مدیریت پیشرفته منابع آموزشی و بهبود بخشیدن به روش‌های جذب آموزش معلمان و متبلور ساختن فلسفه وجودی نظام تعلیم و تربیت در برنامه درسی را ایجاب می‌کند. کانوی (Carnoy, 1999) در تحلیل جامع خود معتقد است که بررسی جهانی شدن فراتر از تأثیر آن بر کلاس درس است. گرچه روش عرضه دانش در کلاس درس بخش مهمی از تولید دانش است، اما در این فرایند نیروهای خارجی متعددی بر جهانی شدن و تولید دانش اثر می‌گذارند. جهانی شدن در هر یک از ابعاد اقتصاد، فرهنگ، سیاست و فناوری به‌طور غیرمستقیم تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد که به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

**پیامدهای جهانی شدن اقتصاد بر تعلیم و تربیت:** پدیده جهانی شدن تغییراتی را در ساختارهای اقتصادی کشورها و سازمانها ایجاد کرده است. دامنه این تغییرات بسیار متنوع است و حوزه گسترده‌ای از آموزش، ایجاد مهارت و کارآموزی را شامل می‌شود (Mehralizadeh, 2006, p. 35). دگرگونی‌های پدیدار شده در بازار کار و نظام‌های آموزشی، درخواست‌های پیامد آنها برای منابع آموزش، پیامدهای خصوصی‌سازی و تمرکززدایی، افزایش اندازه‌گیریهایی فراملی برای نظام آموزشی، بهره‌گیری گسترده از فناوری اطلاعات‌رسانی، دگرگونی فرهنگی و تلاش‌های فرا راه معنا و ارزش دانش و آگاهی، تغییراتی هستند که به دنبال تغییرات اقتصادی در حوزه آموزش و پرورش ایجاد می‌شوند (Carnoy, 1999). جهانی شدن اقتصاد و تقاضاهایی که در نتیجه آن برای نیروی کار به‌وجود می‌آید، نیازمند یک نظام آموزشی متفاوت است، نظامی که توانایی یادگیرندگان را در ارزیابی، اقتباس و به‌کارگیری دانش افزایش دهد و ضمن تحریک آنها به تفکر خودمحور، مشارکت با دیگران و داشتن قضاوت‌های مناسب را نیز در آنان تقویت کند. هدف از آموزش انتقال ساده مطالب از قبل آماده شده به دانش‌آموزان نیست، بلکه لازم است چگونگی یادگیری، حل مسئله و ترکیب آموخته‌های قبلی با مطالب جدید و ایجاد دانش لازم نیز در آموزش مورد توجه قرار گیرد. از جمله مهارت‌های مورد نیاز دانش‌آموزان توانایی انجام دادن کارهای گروهی، مصالحه و سازش، سازماندهی، رهبری و مدیریت است که خلاف نگرش سنتی است که در آن دانش‌آموزان به انجام دادن فعالیت‌های فردی تشویق می‌شوند (Emam Jomea, 2006). توجه بیشتر به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و استفاده بیشتر از فناوری اطلاعات یکی دیگر از پیامدهای

اقتصادی جهانی شدن است. این تغییرات موجب دگرگونیهای فراوان در عرضه و تقاضا، تحرک اجتماعی و کاهش هزینه‌های جاری خواهد شد.

**پیامدهای جهانی شدن فرهنگ بر تعلیم و تربیت:** تحولات و مسائل ناشی از تغییرات فنی، تغییرات وسیع اجتماعی- فرهنگی و پدیده‌های واسطه‌ای نظیر تغییر در ماهیت و ساختار سازمانها و الگوهای استخدام، زمینه‌های ظهور الگوهای نوین سازمانی را فراهم آورد و داشتن مهارتها و قابلیت‌های جدید ضرورت پیدا کرد (Mehralizadeh, 2006, p. 40). رشد پدیده‌هایی مانند مهاجرت و فرار مغزها موجب تشکیل کلاسهای چند فرهنگی و اهمیت یافتن یادگیری برای با هم زیستن و استلزامات خاص آن می‌شود که شامل یادگیری شناخت خویشتن، احترام قایل شدن برای دیگران و آموختن حس مسئولیت و همکاری با دیگران است. از کارکردهای جهانی شدن فرهنگ، گسترش ارزشها، اصول و مبانی فرهنگ ملی کشورها به عرصه جهانی است. جهانی شدن آموزش و پرورش و گسترش مبادلات آموزشی بین جوامع مختلف موجب رشد اجتماعی میان آنها می‌شود، زیرا دامنه تجربه اجتماعی و دانش فرهنگی دست‌اندرکاران حوزه تعلیم و تربیت از ملتها و فرهنگهای مختلف افزایش می‌یابد و موجب نوعی جهش در فرایند رشد آنها از نظر یادگیری، خلاقیت و نوآوریهای مختلف می‌شود (Fazeli, 2008, p. 96). As cited in Arbaby, 2011, p. 96. جهانی شدن فرهنگ چالشهایی مانند ترویج فرهنگ غرب، کمرنگ شدن ویژگیهای بومی، به مخاطره افتادن هویت ملی و ارزشهای دینی در برنامه درسی مدارس و همچنین، فرصتهایی مانند برقراری ارتباطات فرهنگی بیشتر و آسان‌تر و شناخت سایر فرهنگها را ایجاد کرده است.

**جهانی شدن سیاست و تأثیر آن بر تعلیم و تربیت:** کمرنگ شدن نظارت و تسلط دولت و حکومت بر نظام تعلیم و تربیت، کمرنگ شدن نقش حکومت‌های ملی- محلی و ایجاد حکومت جهانی واحد موجب جهتگیری نظام تعلیم و تربیت به سمت شهروند جهانی شده است. با توجه به رشد عملکردهای فراملی در نتیجه جهانی شدن، شناخت سایر فرهنگها و زبانها ضرورت می‌یابد (Fazely, 2008, p. 97). As cited in Arbaby, 2011, p. 97.

**پیامدهای جهانی شدن فناوری بر تعلیم و تربیت:** آموزش در جامعه جهانی برای هر تغییر و اصلاحی که عمدتاً از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات ایجاد می‌شود، نقش اساسی ایفا می‌کند. این فناوری در کمترین زمان اطلاعات را فراهم می‌سازد و به فراگیران در کامل کردن موفقیت و اثربخشی‌شان کمک می‌کند (Sander, 2008). با توجه به کاربرد وسیع اینترنت، نیازهای آموزشی دانش‌آموختگان دانشگاهها و مراکز آموزشی نیز طبعاً متفاوت شده است و آنها باید مهارتهای لازم در این خصوص را فرا گیرند. از جمله مهارتهای مورد نیاز می‌توان به مهارتهای تکنولوژیکی، مهارتهای ارتباطی، محاسباتی، تفکر نقادانه و حل مسئله و روابط فردی، شخصی و اجتماعی اشاره کرد (Ahmady & Virjinary, 2004, pp. 5-6).

**مهارت‌های مورد نیاز دانشجویان در عصر جهانی شدن:** در این خصوص، طبقه‌بندی‌های مختلفی برای مهارت‌های مورد نیاز دانشجویان ارائه شده است که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود. طبقه‌بندی جامعی که از سوی بخش مطالعات ضروری (۱۹۹۰) و بانک جهانی (۲۰۰۳) در خصوص مهارت‌های پایه ارائه شده، به شرح زیر است:

**مهارت‌های فنی<sup>۵</sup>:** مهارت‌های فنی شامل تغییرات فناوری و سازمانی و توسعه درونی سازمان شامل سواد، زبان خارجی، ریاضیات، علم، حل مسئله و مهارت‌های تحلیلی است.

**مهارت‌های روش‌شناسی<sup>۶</sup>:** این مهارت‌ها به توانایی شناختی، جامع‌نگر بودن و مهارت در استفاده از رایانه مربوط می‌شود. مهارت‌های مبتنی بر روش‌شناسی هر فرد را ملزم می‌کند تا شیوه‌ای خاص برای یادگیری داشته باشد تا بتواند یادگیری مادام‌العمر را دنبال کند و با روبه‌رو شدن با خطرها و تغییرات به روش مناسب عمل کند.

**مهارت‌های اجتماعی<sup>۷</sup>:** این مهارت‌ها شامل مهارت‌های کلامی، ارتباطی، ایجاد انگیزه برای مباحثه و روش‌های تازه همکاری است که کار گروهی، رهبری و مهارت‌های ارتباطی را در بر می‌گیرد.

**مهارت‌های رفتاری<sup>۸</sup>:** این مهارت‌ها ارزشها، عقاید، احترام به اهداف اقتصادی مؤسسه و پذیرش خود مسئولیتی است (Mehralizadeh, 2006, p. 122; World Bank, 2003 Translate by Emadzadeh & Kesaeian, 2009, p. 76).

منسیلا و جکسون (Mansilla & Jackson, 2011, pp. 11-12) چهار توانایی بررسی جهان ماورای محیط اطراف خود، شناخت ویژگی‌های خود و دیگران، ارتباط برقرار کردن مؤثر بین ایده‌های مخاطبان متفاوت و انجام دادن فعالیت برای بهبود شرایط را برای توانمندی دانشجویان در عصر جهانی برشمرده‌اند.

مدل اصلی پژوهش حاضر از طبقه‌بندی مطالعات ضروری (۱۹۹۰) و بانک جهانی (۲۰۰۳) که پیشتر به آن اشاره شد، استخراج شده است. از آنجا که هر یک از طبقه‌های مهارت‌های فنی، روش‌شناسی، اجتماعی و رفتاری خرده مؤلفه‌های زیادی را در بر می‌گرفت و بررسی همه‌جانبه آنها با توجه به محدودیت همکاری دانشجویان برای پاسخگویی با صبر و حوصله به تمام سؤالات امکان‌پذیر نبود، با نظر برخی از استادان علوم تربیتی بعضی از مؤلفه‌های آن بررسی شد که عبارت از مهارت‌های ارتباطی، انعطاف‌پذیری، کار گروهی، حل مسئله، مهارت فناوری و مسئولیت‌پذیری بود. در ادامه به اختصار در باره هر یک از این مؤلفه‌ها و جایگاه آنها در مطالعات مختلف پرداخته توضیح داده شده است.

- 
5. Technical Competencies
  6. Methodological Competencies
  7. Social Competencies
  8. Behavioral Competencies

**مهارت ارتباطی:** مهارت ارتباطی به توانایی افراد در حفظ صحیح و مناسب روابط خود با دیگران مربوط می‌شود. پنج مهارت لازم برای ایجاد ارتباط مناسب عبارت است از: گوش کردن، ابراز وجود کردن، رفع تعارض، حل مسئله اشتراکی و گزینش مهارت ارتباطی مناسب (Bulten, 2010, (Bourn, 2008), p. 35). Translate by Sohraby & Roshanaey, 2010, p. 35). راهنمای مهارتهای قرن ۲۱ (Partnership for 21st Century Skills, 2009)، منسیلا و جکسون (Mansilla & Jackson, 2011)، طهماسی و همکاران (Tahmasby et al., 2011)، لطف آبادی، (Lotf Abadi, 2007) و مهرعلیزاده (Mehralizadeh, 2006) مهارت ارتباطی را از مهارتهای مهم بشر در عصر حاضر قلمداد کرده‌اند. در سالهای اخیر، اظهار شده است اگر دانش‌آموختگان در مهارتهای ارتباط شفاهی به اندازه کافی متخصص و زبردست باشند، بهتر می‌توانند در محیط کار اثربخش باشند که در نتیجه، انگیزه بیشتری برای توسعه مهارتهای ارتباطی شفاهی در طراحی دوره‌های کارشناسی و حرکت در این جهت ایجاد می‌شود. (Crosling, & Ward, 2002, p. 41).

**مهارت انعطاف‌پذیری:** انعطاف‌پذیر به معنای توانایی سازگار بودن افکار و رفتار با تغییرات محیط و موقعیتها و نیز توانایی کنار آمدن با هیجانها، افکار و رفتارهای فرد در شرایط و موقعیتهای متغیر است. این جنبه از مهارتها به توانایی کلی فرد در سازگاری با شرایط ناآشنا، غیرقابل پیش‌بینی و پویا برمی‌گردد. افراد انعطاف‌پذیر فعال و در حال تغییرند. این افراد معمولاً در باره ایده‌ها و اعمال متفاوت حالت پذیرا دارند. یکی از نتایجی که از جهانی شدن امور حاصل شده است، تبدیل شدن کارکنان به مسافرانی است که از یک فرصت شغلی به فرصت شغلی دیگر در سراسر جهان مسافرت می‌کنند. این امر می‌تواند که کارمندان برای ادای وظایف خود در این فرصتهای شغلی، مهارتهای مناسب با این شرایط را دارا باشند. بر این اساس، یادگیرندگان باید با توجه به فرایند جهانی شدن انعطاف‌پذیر، سازگار، همکاری‌کننده و مشکل‌گشا تربیت شوند (Wessels, 2002).

**مهارت کار گروهی:** برای تشکیل هر نوع تیم کاری نیاز به دانش، مهارت، توانایی و ویژگیهای دیگری است تا تیم و گروه عملکرد موفق و مؤثری داشته باشد. همچنین، ثابت شده است که مهارت، دانش و انگیزه لازم برای ادای وظایف و عملکرد موفق در تیم کاری فراتر از فقط داشتن مهارت فنی و ادای وظایف در محیط سنتی و کار فردی است (Morgeson, Reider & Campion, 2005, p. 584). یکی از ویژگیهای متمایز تنظیمات کار گروهی این است که افراد باید قادر باشند به‌طور مؤثر با افراد دیگر کار کنند. مهرمان و کوهن (Mohrman & Kuhen, 1995, As cited in Mehralizadeh, 2006) اظهار می‌دارند که وقتی افراد در تیمهای کاری فعالیت می‌کنند، نیاز است تا در یک‌سری از ویژگیهای شخصیتی مهارت یابند یا مهارت خود را افزایش دهند. به خصوص نیازهای فردی که قادر به برقراری ارتباط با دیگران، گوش دادن به دیگران، تأثیر و نفوذ بر دیگران و ... است.

مهارت در درک اجتماعی، ایجاد هماهنگی، ترغیب، مذاکره، آموزش و کمک به دیگران به عنوان مهارت‌های اجتماعی خوانده می‌شود (Mamford, Peterson & Childz, 1999, As cited in Morgeson et al., 2005, p. 585). مهارت‌های اجتماعی انعکاسی از درک و ظرفیت فردی برای تنظیم رفتار خود در موقعیتها و شرایط مختلف و کنترل خود هنگام پاسخگویی به دیگران است. فرایز و هوچارتز (Fraiz, vit & Hochoartz, 2001, As cited in Morgeson et al., 2005, p. 586) و مهرعلیزاده (Mehralizadeh, 2006) نیز توانایی کار گروهی را از استلزامات زندگی کنونی معرفی کرده است.

**حل مسئله:** مهارت حل مسئله؛ یعنی ارائه راه‌حلهای کارآمد برای مشکلاتی که ماهیت درون فردی یا میان فردی دارند و اولین مرحله آن، احساس وجود مشکل و احساس توانایی و انگیزه کافی داشتن برای مقابله مؤثر و مفید با آن است. دومین مرحله تعریف مشکل و مشخص کردن ابعاد آن است. سومین مرحله در توانایی حل مسئله، ارائه راه‌حلهای مناسب و مفید در تصمیم‌گیری و انتخاب بهترین راه‌حل ممکن و به‌کار بردن آن راه‌حل برای رفع مشکل است. این مهارت به جای اجتناب از مشکلات با تمایل برای انجام دادن بهترین کار در قبال آنها و مواجهه با آنها نیز رابطه دارد (Bar-on, 1999, 2002, As cited in Sobhany Saraty, 2008).

**مهارت سواد رایانه‌ای:** سواد رایانه‌ای از جمله مهارتهایی است که در سند چشم‌انداز انسان مطلوب در افق بیست ساله مورد نیاز مطرح شده است و باید در برنامه‌ریزی درسی دوره عمومی مورد توجه قرار گیرد. راهنمای مهارتهای قرن ۲۱ (Partnership for 21st Century Skills, 2007, 2009)، منسیلا و جکسون (Mansilla & Jackson, 2011)، طهماسبی و همکاران (Tahmasby et al., 2011)، لطف آبادی (Lotf Abady, 2007) و مهرعلیزاده (Mehralizadeh, 2006) نیز به مهم بودن این مهارت در عصر حاضر اشاره کرده‌اند.

**مهارت مسئولیت‌پذیری:** مسئولیت‌پذیری به معنای توانایی بروز خود به‌عنوان یک عضو دارای حس همکاری مؤثر و سازنده در گروه است. یکی از مؤلفه‌های تربیت شهروند جهانی، تلاش برای همکاری و بار مسئولیت خود و دیگران را به دوش کشیدن است. در جامعه جهانی بی مسئولیتی افراد آنها را در مسیر پر نوسانی قرار می‌دهد. ویژگی مسئولیت‌پذیری از دید متخصصان تعلیم و تربیت، برنامه‌ریزان درسی و فراگیران از ویژگیهایی است که برای شهروندان از اولویت بالایی برخوردار است (Vaziry & Jahany, 2007). لطف‌آبادی (Lotf Abady, 2007) و مهرعلیزاده (Mehralizadeh, 2006) نیز مسئولیت‌پذیری افراد را مهم می‌دانند.

علاوه بر مطالعات نظری که در ارتباط با مهارتهای مورد نیاز افراد در عصر جهانی شدن موجود است، پژوهشهای متعددی نیز در خصوص هر یک از این مهارتها، به روشهای مختلف و در نمونه‌های گوناگون، صورت گرفته است که به‌منظور غنی‌تر شدن پژوهش حاضر، هر یک از آنها به نحوی مورد



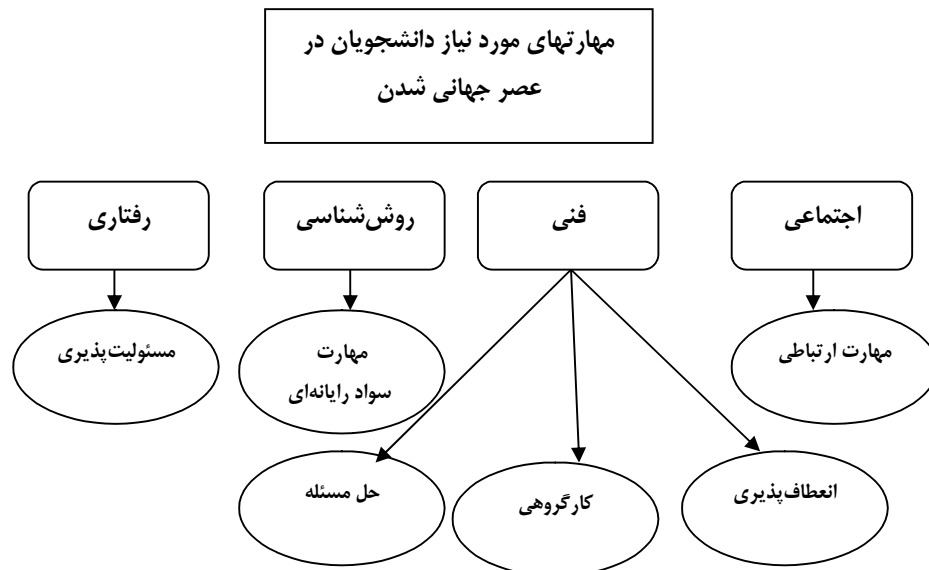
استفاده قرار گرفته‌اند. برای مثال، یاووز، ارسلان و گیولتن (Yavuz, Arslan & Gulten, 2010) در باره حل مسئله، مشاهده و درک مهارت‌های حل مسئله معلمان علوم اجتماعی و ریاضی مطالعه کرده‌اند. یافته‌های آنها نشان داد که مهارت حل مسئله معلمان ریاضی کمتر از میانگین است؛ با توجه به رشته و حوزه تحصیلی دو گروه معلم، تفاوتی در مهارت حل مسئله آنها وجود ندارد و همچنین، مهارت حل مسئله در معلمان زن بیشتر از معلمان مرد است. همچنین شین (Shin, 2008) در پژوهشی در باره مهارت‌های مورد نیاز دانشجویان مهندسی دوره کارشناسی‌ارشد کره‌ای در شهر لندن بررسی کرد. در این پژوهش آگاهی‌های این دانشجویان و موضوعات سخنرانی‌هایشان در یک مجمع علمی و فناوری از طریق مصاحبه نیمه‌ساختار یافته مقایسه شد. بررسی تقاضاهای مشارکت کنندگان در یک همایش جهانی این نتیجه را نشان داد که دانشجویان مهندسی کره‌ای نیاز دارند که برای حضور در انجمن‌های جهانی به مهارت‌های چندگانه و خواندن و نوشتن زبان انگلیسی، مهارت‌های ارتباطی عمومی و اختصاصی مهندسی مجهز شوند.

در پژوهشی دیگر فتحی و اجارگاه و کامکاری (Fathi Vajargah & Kamkary, 2003) در باره ویژگی شهروند خوب برای کشور ایران به‌طور نظری و تجربی بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج به‌دست آمده از پژوهش آنان، یک شهروند مطلوب برای جامعه ایران باید در سه حیطه کلی ۱. شناخت مدنی مانند توانایی به‌دست آوردن اطلاعات، آگاهی از عملکرد دولت و آگاهی از حقوق شخصی و بین‌المللی، ۲. توانایی مدنی مانند توانایی مشارکت گروهی و توانایی انجام دادن امور به‌طور مستقل و ۳. نگرش مدنی مانند داشتن روحیه مسئولیت‌پذیری و روحیه انتقادپذیری توانمند باشد.

نتایج مطالعات کری و برنینگ (Carey & Bruening, 2002)، ژبای و اسپیر (Zhai & Scheer, 2002) و یونس و آسی (Younes & Asay, 2003) نشان داد که مشارکت در فعالیت‌های بین‌المللی مانند دوره‌های آموزشی در باره مسائل بین‌المللی، سفرهای علمی بین فرهنگی، تبادل دانشجو و یادگیری زبان‌های خارجی نقش مهمی در افزایش آگاهی‌های بین فرهنگی، افزایش مهارت‌های ارتباطی، افزایش مهارت عملکرد به‌عنوان شهروند جهانی، افزایش مهارت حل مسئله و آماده کردن دانشجویان برای حضور اثربخش در جامعه چندفرهنگی و ورود به بازار کار در عصر جهانی شدن دارد. نتایج پژوهشی که وزیری و جهانی (Vaziry & Jahany, 2007) در خصوص شناسایی مهارت‌های شهروندی مورد نیاز دانش‌آموزان دبستان‌های شهرستان زلزله زده بم انجام دادند، نشان داد که مهارت‌های فناوری در اولویت اول، تفکر انتقادی و شهروند جهانی در اولویت دوم، مقابله با هیجان و استرس، مهارت‌های حرفه‌ای، مهارت اداره زندگی، به‌کار بردن نکات ایمنی و مهارت والدینی در اولویت سوم، حل مسئله و تصمیم‌گیری در اولویت چهارم، خودآگاهی، بهداشت جسمی و روابط مؤثر اجتماعی در اولویت پنجم، شهروند مسئول بودن و تفکر خلاق در اولویت ششم و در نهایت، همدلی در اولویت هفتم قرار دارد.

اسفندیاری (Esfandiary, 2004) نیز در پژوهشی در باره مهارت‌های مورد نیاز در زندگی بزرگسالان از دیدگاه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، کارشناسان برنامه‌ریزی درسی متوسطه نظری و دانش‌آموزان نظری دبیرستان‌های بزرگسالان دولتی شهر تهران در شش طیف کلی مهارت‌های ذهنی- شناختی، فردی- یستی، ارتباطات میان‌فردی، مهارت‌های خانوادگی، مهارت‌های محل کار و شهروندی بررسی کرد. یافته‌های او نشان داد که از دیدگاه هر سه گروه مورد مطالعه مهارت‌های شهروندی در اولویت اول، مهارت‌های فردی- زیستی در اولویت دوم، مهارت‌های محل کار در اولویت سوم و مهارت‌های ذهنی- شناختی در اولویت آخر قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که واگرایی زیادی بین مطالعات انجام شده در باره جهانی شدن وجود دارد که این امر می‌تواند ناشی از مفهوم‌سازی گوناگون آنها از فرایند جهانی شدن، اهداف متفاوت آنها از پژوهش، جوامع و نمونه‌های متفاوت آنها در مطالعات و جنبه‌های متفاوت مورد توجه پژوهشگران آنها باشد. از آنجا که پیشفرض ما بر آن بوده است که میزان هر یک از مهارت‌های اساسی عصر جهانی شدن مانند مسئولیت‌پذیری، ارتباطی، انعطاف‌پذیری، مهارت سواد رایانه‌ای و کار گروهی در دانشجویان متفاوت است، بنابراین، این پژوهش چهار فرضیه دارد که در قسمت یافته‌ها به تفصیل در باره هر کدام و نتایج به‌دست آمده از آنها بحث شده است.



شکل ۱- مدل نظری پژوهش

## روش پژوهش

در این پژوهش مهارت‌های اساسی دانشجویان در عصر جهانی شدن با استفاده از روش پیمایشی بررسی شده است. مهارت‌های ارتباطی، انعطاف‌پذیری، کار گروهی، حل مسئله، مهارت سواد رایانه‌ای و مسئولیت‌پذیری شش مهارتی است که در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز مطالعه شده‌اند. در شکل ۱ مدل این پژوهش نشان داده شده است.

جامعه آماری این مطالعه همه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۹۰ بودند. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برای این پژوهش انتخاب شد. بدین منظور، در مرحله اول تعداد کل دانشجویان دانشگاه مشخص شد که تقریباً معادل ۱۲۶۰۰ نفر بودند. در مرحله دوم رشته‌های مختلف تحصیلی به چهار گروه علوم انسانی، علوم پایه و کشاورزی، فنی و مهندسی و دامپزشکی تقسیم شدند. در مرحله سوم با توجه به اینکه با استفاده از معادله نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی باید بر اساس حجم گروهها در جامعه از هر یک از گروهها در نمونه نماینده وجود داشته باشد، حجم هر یک از گروههای تحصیلی در جامعه تعیین شد.

جدول ۱- توزیع حجم جامعه پژوهش

نام طبقه	جامعه	درصد فراوانی
علوم انسانی	۵۰۰۰	۴۰ درصد
علوم پایه و کشاورزی	۳۷۰۰	۳۰ درصد
فنی - مهندسی	۲۴۰۰	۱۹ درصد
دامپزشکی	۱۵۰۰	۱۱ درصد
کل	۱۲۶۰۰	۱۰۰ درصد

در مرحله چهارم از هر یک از گروههای جامعه تعدادی برای نمونه تعیین شد. در جدول ۲ توزیع نمونه پژوهش نشان داده شده است.

جدول ۲- توزیع نمونه پژوهش

متغیر	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۵۶٪
	مرد	۴۴٪
رشته تحصیلی	علوم انسانی	۴۵٪
	علوم پایه و کشاورزی	۳۶٪
	فنی - مهندسی	۱۶٪
	دامپزشکی	۳٪
سال تحصیل	اول	۲۶/۶
	دوم	۳۷/۱
	سوم	۱۹/۸
	چهارم	۱۶/۵

ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته بود که بر اساس مطالعات مهرعلیزاده (Mehralizadeh, 2006) و بانک جهانی (World Bank, 2003) و پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن (Nasimyfar, 2010) تهیه شد. این پرسشنامه متشکل از ۳۵ پرسش بود و طبق مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم و مهارت‌های پایه و مورد نیاز دانشجویان برای زندگی در عصر حاضر در پنج مؤلفه مسئولیت‌پذیری، مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله، انعطاف‌پذیری و کار گروهی ارزیابی شد. به‌منظور تعیین ضریب پایایی پرسشنامه، به‌طور آزمایشی بر روی ۳۰ نفر از نمونه پژوهش اجرا شد. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌های گردآوری شده برابر با ۰/۸۹ به‌دست آمد که نشان‌دهنده ضریب پایایی بالای پرسشنامه است. ضریب پایایی هر یک از مؤلفه‌ها به تفکیک در جدول ۳ آورده شده است. روایی محتوایی و صوری پرسشنامه با قضاوت و داوری هفت نفر از متخصصان علوم تربیتی و روانشناسی اصلاح و تأیید شد.

جدول ۳- سنجش پایایی خرده مقیاسهای پرسشنامه مهارت‌های پایه

مؤلفه‌ها	تعداد گویه‌ها	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
مسئولیت‌پذیری	۴	۴، ۲، ۳، ۱	۰/۷۴
ارتباطی	۷	۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۷، ۶، ۵	۰/۶۸
حل مسئله	۷	۱۸، ۱۷، ۱۵، ۱۶، ۱۴، ۱۳، ۱۲	۰/۹۰
انعطاف‌پذیری	۵	۲۳، ۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹	۰/۸۸
سواد رایانه‌ای	۷	۳۰، ۲۹، ۲۷، ۲۸، ۲۶، ۲۵، ۲۴	۰/۹۵
کارگروهی	۵	۳۵، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱	۰/۸۰
کل پرسشنامه	۳۵	۳۵	۰/۸۹

برای تحلیل نتایج از نرم‌افزار spss16 استفاده شد. برای پاسخگویی به پرسش پژوهش میانگین‌های هر یک از مؤلفه‌ها و کل گویه‌ها محاسبه شد. به‌منظور آزمون فرضیات پژوهش نیز از آزمون تک نمونه‌ای t و تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد. در خصوص پرسش و فرضیه‌های پژوهش، پس از جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل توصیفی آنها، داده‌ها تفسیر شدند و از آزمونهای استنباطی مرتبط برای تحلیل آنها استفاده شد.

## یافته‌ها

وضعیت مهارت‌های مسئولیت‌پذیری، ارتباطی، انعطاف‌پذیری، سواد رایانه‌ای و کار گروهی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- وضعیت هر یک از مهارت‌های پایه دانشجویان دانشگاه چمران در نمونه پژوهش

کل	مهارت کار گروهی	مهارت حل مسئله	مهارت سواد رایانه‌های	مهارت انعطاف-پذیری	مهارت مسئولیت‌پذیری	مهارت ارتباطی	
۳۳۴	۳۳۲	۳۳۴	۳۳۴	۳۳۴	۳۳۴	۳۳۴	تعداد
۳/۴۲	۳/۹۶	۳/۳۳	۲/۹۸	۳/۱۹	۳/۹۱	۳/۳۷	میانگین
۰/۴۲	۰/۵۹	۰/۶۲	۱/۱۲	۰/۷۰	۰/۶۳	۰/۵۳	انحراف معیار
۰/۱۸	۰/۳۵	۰/۴۰	۱/۲۵	۰/۵۰	۰/۴۰	۰/۷۲	واریانس

همان‌طور که جدول ۴ نشان می‌دهد، میانگین همه مؤلفه‌ها و مهارت کلی دانشجویان بجز مؤلفه سواد رایانه‌ای که ۲/۹۸ و در سطح نسبتاً پایین است، حول ۳/۱۹ تا ۳/۹۶ است که در سطح تقریباً متوسط قرار دارد. ترتیب میزان هر یک از مهارت‌ها در دانشجویان از بیشترین به کمترین عبارت است از: کار گروهی، مسئولیت‌پذیری، ارتباطی، حل مسئله، انعطاف‌پذیری و سواد رایانه‌ای. توانایی برقراری ارتباط با افراد کشورهای مختلف به زبان انگلیسی و توانایی ایجاد ارتباط مناسب با فرهنگ‌های مختلف دو تا از عوامل مهم ارتباطی دهکده جهانی است که در این پژوهش در مؤلفه مهارت ارتباطی سنجیده شده‌اند. میانگین هر کدام از آنها به ترتیب ۲/۰۸ و ۳/۳۷ به‌دست آمده است.

**فرضیه ۱. میزان هر یک از مهارت‌های مسئولیت‌پذیری، ارتباطی، انعطاف‌پذیری، سواد رایانه‌ای و کار گروهی دانشجویان دانشگاه شهید چمران با میانگین مطلوب تفاوت دارد.**

به‌منظور آزمون این فرضیه از آزمون t یک گروهی استفاده شد که نتیجه آن در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵- آزمون t یک گروهی با میانگین مطلوب ۳/۵ با ۹۵ درصد اطمینان

sig	t	درجه آزادی	میانگین	
۰/۰۰۱	۱۱/۸	۳۳۳	۳/۹۱	مسئولیت‌پذیری
۰/۰۰۱	-۴/۵۲	۳۳۳	۳/۳۷	ارتباطی
۰/۰۰۱	-۴/۸۸	۳۳۳	۳/۳۳	حل مسئله
۰/۰۰۱	-۷/۹۰	۳۳۳	۳/۱۹	انعطاف‌پذیری
۰/۰۰۱	-۸/۵۱	۳۳۳	۲/۹۸	سواد رایانه‌ای
۰/۰۰۱	۱۴/۳۵	۳۳۱	۳/۹۶	کار گروهی
۰/۰۰۱	-۳/۵۴	۳۳۳	۳/۴۲	کل

جدول ۵ بیانگر آن است که میانگین هر یک از مهارت‌های مذکور در دانشجویان نمونه با میانگین مطلوب که بر اساس نظر متخصصان ۳/۵ در نظر گرفته شده است، تفاوت معنادار دارد. میزان مهارت

مسئولیت‌پذیری و کار گروهی به‌طور معناداری از میانگین مطلوب بالاتر است، اما میزان مهارت‌های دانشجویان در ایجاد مهارت حل مسئله، انعطاف‌پذیری و سواد رایانه‌ای به‌طور معناداری از میانگین مطلوب (۳/۵) کمتر است.

### **فرضیه ۲. میزان هر یک از مهارت‌های مسئولیت‌پذیری، ارتباطی، انعطاف‌پذیری، سواد رایانه‌ای و کار گروهی بین دانشجویان زن و مرد متفاوت است.**

فرضیه مذکور با استفاده از آزمون t مستقل میانگین بین دانشجویان زن و مرد از نظر برخورداری از مهارت مختلف در عصر جهانی شدن بررسی شد. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در مهارت‌های مسئولیت‌پذیری، ارتباطی و کارگروهی بین دو جنسیت تفاوت معناداری وجود دارد، به‌گونه‌ای که بیشترین تفاوت در سطح معناداری ۰/۰۰۱. در مهارت کارگروهی مشاهده شد؛ به عبارت دیگر، دانشجویان زن در کارهای گروهی مهارت بیشتری نسبت به دانشجویان مرد در این دانشگاه داشته‌اند. میانگین دانشجویان مرد و زن در این مؤلفه به ترتیب ۴/۰۶ و ۳/۸۳ است. علاوه بر این، در سطح معناداری ۰/۰۱ از نظر مسئولیت‌پذیری بودن و در سطح معناداری ۰/۰۵. از نظر ویژگی ارتباطی بین دو جنسیت تفاوت معناداری مشاهده شد؛ به عبارت دیگر، دانشجویان زن از میزان بیشتری در این مهارت‌ها برخوردار بودند. میانگین دانشجویان مرد و زن در مؤلفه مسئولیت‌پذیری ۴ و ۳/۷۹ و در مؤلفه ارتباطی به ترتیب ۳/۴۳ و ۳/۲۹ است. علاوه بر این، نمره کلی مهارت‌های پایه زن و مرد با میانگینهای ۳/۴۷ و ۳/۳۳ با هم با ۹۵ درصد اطمینان و سطح معناداری ۰/۰۰۲ تفاوت معنادار دارند. همچنین، باید توجه داشت که در کلیه مهارت‌هایی که بین دو جنسیت مشاهده شد، تفاوت مشاهده شده به نفع دانشجویان زن بوده است؛ به عبارتی، زنان از میزان مهارت بیشتری در مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری، ارتباطی و کار گروهی نسبت به مردان برخوردارند. نتیجه دیگری که از تحلیل جدول ۶ به‌دست می‌آید، این است که در مهارت‌های حل مسئله، انعطاف‌پذیری و سواد رایانه‌ای تفاوت معناداری بین دو جنسیت وجود ندارد و زنان و مردان تقریباً به یک اندازه از این مهارت‌ها برخوردارند.

### **فرضیه ۳. میزان هر یک از مهارت‌های مسئولیت‌پذیری، ارتباطی، انعطاف‌پذیری، سواد رایانه‌ای و کار گروهی بین دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی متفاوت است.**

برای پی بردن به اینکه آیا بین میانگین هر یک از مهارت‌های دانشجویان رشته‌های مختلف در سطح کارشناسی تفاوت وجود دارد یا نه، از آزمون تحلیل واریانس یک راهه استفاده شد. نتایج به‌دست آمده از این آزمون که در جدول ۷ آورده شده است، نشان‌دهنده این امر است که بیشترین تفاوت دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی در میزان برخورداری از مهارت‌های سواد رایانه‌ای بوده است، بدین صورت که در سطح آلفای ۰/۰۰۱ بین رشته‌های موجود از نظر این مهارت تفاوت معناداری مشاهده شد.

جدول ۷- مقایسه میانگین مهارت‌ها بین دانشجویان رشته‌های مختلف تحصیلی

سطح معنادارای	F	میانگین مجدورات	درجات آزادی	مجموع مجدورات	شاخص آماری منبع تغییرات	مؤلفه‌های مهارت
.۰۷۶	۲/۳۱	.۰۹	۳	۲/۷	بین گروهی	مسئولیت- پذیرگی
		.۳۹	۳۳۰	۱۲۹/۰۶	درون گروهی	
		-	۳۳۳	۱۳۱/۷۶	کل	
.۴۱۶	.۹۵۱	.۲۵	۳	.۷۶	بین گروهی	ارتباطی
		.۲۷	۳۳۰	۸۸/۱۴	درون گروهی	
		-	۳۳۳	۸۸/۹	کل	
.۲۹۴	۱/۲۴	.۴۸	۳	۱/۴۵	بین گروهی	حل مسئله
		.۳۹	۳۳۰	۱۲۸/۲۳	درون گروهی	
		-	۳۳۳	۱۲۹/۶۸	کل	
.۶۸۲	.۵	.۲۵	۳	.۷۵	بین گروهی	انعطاف پذیری
		.۵	۳۳۰	۱۶۴/۶۹	درون گروهی	
		-	۳۳۳	۱۶۵/۴۳	کل	
.۰۰۰	۱۴/۴۳	۱۶/۱۶	۳	۴۸/۴۹	بین گروهی	سواد رایانه‌ای
		۱/۱۲	۳۳۰	۳۶۹/۵۷	درون گروهی	
		-	۳۳۳	۴۱۸/۰۶	کل	
.۷۱۶	.۴۵۲	.۱۶	۳	.۴۷	بین گروهی	کارگروهی
		.۳۵	۳۲۸	۱۱۴/۱۳	درون گروهی	
			۳۳۱	۱۱۴/۷	کل	
.۰۵۲	۲/۶	.۴۶	۳	۱/۳۸	بین گروهی	مهارت کلی
		.۱۸	۳۳۰	۵۸/۱۷	درون گروهی	
		-	۳۳۳	۵۹/۵۵	کل	

همچنین، از آنجایی که در بین مؤلفه‌های مهارت بین رشته‌های تحصیلی فقط از نظر مهارت سواد رایانه‌ای تفاوت معناداری مشاهده شده است، به منظور پی بردن به اینکه تفاوت مشاهده شده بین کدام یک از رشته‌های تحصیلی وجود دارد، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد که نتایج آن نشان داد از نظر برخورداری از میزان مهارت استفاده از رایانه تفاوت معناداری بین رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه- کشاورزی به سود دانشجویان علوم پایه- کشاورزی در سطح معناداری ۰/۰۵، بین رشته‌های مهندسی و علوم انسانی در سطح معناداری ۰/۰۰۰۱ به سود دانشجویان مهندسی و همچنین، بین رشته‌های علوم پایه - کشاورزی و مهندسی در سطح ۰/۰۵ به سود دانشجویان مهندسی وجود دارد. میانگین رشته‌های علوم انسانی، مهندسی، علوم پایه - کشاورزی و دامپزشکی به ترتیب ۲/۷۲، ۳/۸۲، ۳/۱۹ و ۳/۵۵ است؛

به عبارت دیگر، دانشجویان رشته مهندسی از بین کلیه رشته‌ها از مهارت بیشتری در زمینه استفاده از رایانه برخوردارند.

**فرضیه ۴. میزان هر یک از مهارت‌های مسئولیت‌پذیری، ارتباطی، انعطاف‌پذیری، سواد رایانه‌ای و کار گروهی بین دانشجویان سالهای مختلف تحصیلی متفاوت است.**

برای آزمون این فرضیه نیز از آزمون تحلیل واریانس یک راه استفاده شده است. نتایج آن که در جدول ۸ نشان داده شده است، در حالتی مشابه با رشته‌های تحصیلی، بیانگر آن است که فقط میزان مهارت سواد رایانه‌ای بین دانشجویان سالهای تحصیلی مختلف در سطح آلفای ۰/۰۰۱ تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۸- مقایسه میانگین مهارت‌ها بین دانشجویان سالهای مختلف تحصیلی

سطح معناداری	F	میانگین مجدورات	درجات آزادی	مجموع مجدورات	شاخص آماری تغییرات	مهارت‌های پایه
.۰۸۲	۲/۲۵	.۸۸	۳	۲/۶۴	بین گروهی	مسئولیت‌پذیری
		.۳۹	۳۳۰	۱۲۹/۱۲	درون گروهی	
		-	۳۳۳	۱۳۱/۷۶	کل	
.۱۶۸	۱/۶۹	.۴۵	۳	۱/۳۴	بین گروهی	ارتباطی
		.۲۶	۳۳۰	۸۷/۵۵	درون گروهی	
		-	۳۳۳	۸۸/۸۹	کل	
.۲۸۶	۱/۲۹	.۴۹	۳	۱/۴۷	بین گروهی	حل مسئله
		.۲۸	۳۳۰	۱۲۸/۲۰	درون گروهی	
		-	۳۳۳	۱۲۹/۶۷	کل	
.۰۶۶	۲/۴۲	۱/۱۹	۳	۳/۶۵	بین گروهی	انعطاف‌پذیری
		.۴۹	۳۳۰	۱۶۱/۸۷	درون گروهی	
		-	۳۳۳	۱۶۵/۴۳	کل	
.۰۰۱	۵/۶	۶/۷۵	۳	۲۰/۲۳	بین گروهی	سواد رایانه‌ای
		۱/۲۱	۳۳۰	۳۹۷/۸۲	درون گروهی	
		-	۳۳۳	۴۱۸/۰۶	کل	
.۳۱۶	۱/۱۸	.۴۱	۳	۱/۲۳	بین گروهی	کارگروهی
		.۳۵	۳۲۸	۱۱۳/۴۷	درون گروهی	
		-	۳۳۱	۱۱۴/۷	کل	
.۰۰۴	۴/۴۷	.۷۷۵	۳	۲/۳۲	بین گروهی	مهارت کلی
		.۱۷	۳۳۰	۵۷/۲۲	درون گروهی	
		-	۳۳۳	۵۹/۵۵	کل	

از آنجایی که در ویژگی مهارت سواد رایانه‌ای بین سالهای مختلف تحصیلی تفاوت معناداری مشاهده شد، به منظور مشخص شدن اینکه تفاوت مورد نظر در بین چهار سال کارشناسی بین چه سالهایی است، از آزمون تعقیبی توکی استفاده شد که نتایج آن نشان داد فقط بین میانگینهای سالهای اول و آخر دوره کارشناسی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، در سطح معناداری ۰/۰۰۱ بین دانشجویان سال



اول کارشناسی و سال آخر این دوره از نظر میزان برخورداری از مهارت سواد رایانه‌ای تفاوت چشمگیری وجود دارد. میانگین دانشجویان در سال اول در مهارت مربوط ۲/۷۸ و در سال آخر ۳/۵ است که نشان‌دهنده تفاوت بین دانشجویان ورودی و دانشجویان سال آخر از نظر این مهارت است. همچنین، بررسی میانگین کلیه سالهای تحصیلی دوره کارشناسی نشان داد که روند رو به رشدی از سال اول تا سال آخر در برخورداری از مهارتهای سواد رایانه‌ای دانشجویان وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش بررسی مهارتهای پایه و مورد نیاز عصر جهانی شدن در دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز بود. این مطالعه در قالب یک پرسش و چهار فرضیه بررسی شد. نتایج پرسش اول (جدول ۴) بیانگر میانگین متوسط دانشجویان در هر یک از مهارتهای کارگروهی، مسئولیت‌پذیری، ارتباطی، حل مسئله و انعطاف‌پذیری است. این یافته از پژوهش با یافته‌های یاووز و همکاران (Yavuz et al., 2010) ناهمسو و با نتایج پژوهش طهماسبی و همکاران (Tahmaseby et al., 2011) همسو است.

یافته دیگر این پژوهش بیانگر آن است که دانشجویان این دانشگاه از نظر مهارت سواد رایانه‌ای که از ملزومات بشر در عصر حاضر است، در سطح پایین قرار دارند و نیاز به برنامه‌ریزیهای دقیق و مداوم دانشگاه در این حیطة است. دو مورد مهم بررسی شده در مؤلفه مهارت ارتباطی پژوهش حاضر، توانایی برقراری ارتباط با افراد کشورهای مختلف به زبان انگلیسی و توانایی ایجاد ارتباط مناسب با فرهنگهای مختلف است که سطح آنها خیلی پایین به‌دست آمد. با توجه به تاریخ مصرف پیدا کردن اطلاعات، تولیدات جدید دانش در کشورهای مختلف و زبان اینترنت که زبان انگلیسی و زبان رایج جهانی است، از نیازهای اساسی هر یک از دانش‌آموزان و دانشجویان مسلط بودن به زبان انگلیسی است که متأسفانه، سطح آن در بین دانشجویان این دانشگاه، پایین (۲/۰۸) ارزیابی شده است. ارتباطات زیاد اینترنتی با جوامع مختلف نیاز به تحکیم هویت فرهنگی اشخاص دارد تا با ارتباط برقرار کردن با فرهنگهای مختلف دچار تعارض نشوند و کثرت فرهنگی را بپذیرند و بتوانند به‌راحتی با آنها در زمینه‌های علمی ارتباط برقرار کنند که این مورد نیز در بین دانشجویان این دانشگاه نمره پایینی (۳/۲۷) داشته است. این یافته که بیانگر سطح پایین دانشجویان در مهارت سواد رایانه‌ای است، با نتایج پژوهش طهماسبی و همکاران (Tahmaseby et al., 2011) ناهمسو است.

بررسی فرضیه نخست پژوهش مبنی بر تفاوت میزان مهارتهای دانشجویان با میانگین مطلوب (۳/۵) با آزمون تی یک گروهی (جدول ۵) نشان داد که میزان مهارت مسئولیت‌پذیری و کار گروهی به‌طور معناداری از میانگین مطلوب بالاتر است، اما میزان مهارتهای دانشجویان در ایجاد مهارت حل مسئله، انعطاف‌پذیری و مهارت سواد رایانه‌ای به‌طور معناداری از میانگین مطلوب (۳/۵) کمتر است. این نتیجه

با یافته پژوهش یاوز و همکاران (Yavuz, Arslan & Gulten, 2010) از این نظر که میانگین حل مسئله کمتر از میانگین به‌دست آمده است، همسویی دارد. بالاتر بودن میانگین دو مهارت مسئولیت‌پذیری و کارگروهي از نقطه برش (۳/۵) ممکن است به دلیل تأثیر انجام یافتن کارها و پروژه‌های مشترک در برخی دروس و رشته‌ها باشد که پرورش این دو مهارت را در دانشجویان به دنبال داشته است. در مقابل جو خشک و انعطاف‌ناپذیر برخی از برنامه‌های دانشگاهی، استفاده نکردن از روشهای تدریس حل مسئله و رایانه در تدریس و یادگیری می‌تواند دلیل پایین بودن سایر مهارت‌ها نسبت به میانگین مطلوب باشد. عملکرد ضعیف استادان در حوزه این مهارت‌ها نیز می‌تواند دلیل احتمالی دیگری برای این نتیجه باشد، چرا که استادانی که انعطاف‌پذیر باشند یا از مهارت حل مسئله و مهارت سواد رایانه‌ای در سطح مناسب برخوردار باشند، طوری در کلاس درس رفتار می‌کنند و دروس خود را ارائه می‌دهند که دانشجویان نیز به‌طور غیرمستقیم از آنها الگو می‌گیرند و این مهارت‌ها را در عملکرد خود نشان می‌دهند. نتیجه به‌دست آمده از این فرضیه حاکی از آن است که دانشگاه با برنامه کنونی خود قادر به آماده‌سازی دانشجویان برای ورود به عرصه جهانی شدن نیست و باید با تجدید نظر در برنامه‌ریزی‌های درسی و آموزشی پرورش چنین مهارت‌هایی را مورد توجه قرار دهد. دانشگاه‌ها می‌توانند با استفاده از شیوه‌های مختلف از جمله فرهنگ‌سازی مشارکت فعال در عصر جهانی، آشنا کردن دانشجویان با مهارت‌های مورد نیاز خود و ضرورت اکتساب آنها، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، برگزاری سمینارهایی در زمینه آگاه کردن دانشجویان از فعالیتهای دانشجویان و دانشگاه‌های سایر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در تحقق این وظیفه مهم گام بردارند.

نتایج آزمون تی گروه‌های مستقل برای آزمون فرضیه دوم (جدول ۶) بیانگر وجود تفاوت معنادار در مهارت‌های مسئولیت‌پذیری، ارتباطی و کارگروهي بین دانشجویان زن و مرد است که در هر سه مورد میانگین مهارت‌های زنان بیشتر از مردان است. دلیل این امر می‌تواند ویژگی‌های جنسیتی باشد که زنان اصولاً بیشتر به انجام دادن کارهای جمعی و برقراری ارتباط تمایل نشان می‌دهند و به همین سبب در این زمینه‌ها موفقیت بیشتری کسب می‌کنند. همچنین، عاطفی و احساسی بودن زنان می‌تواند دلیل حس مسئولیت‌پذیری بیشتر آنها باشد که به دلیل عطف خود کمتر از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند. نتیجه بررسی در این رشته (جدول ۶) نشان می‌دهد که میانگین مهارت زنان در هر یک از مهارت‌ها نیز از میانگین مهارت‌های مردان بیشتر است. این نتیجه نشان می‌دهد که دانشگاه باید برای افزایش توانمندی دانشجویان در این مهارت‌ها به‌ویژه برای مردان تلاش زیادی انجام دهد. علاوه بر این، بر اساس باور فرهنگی کشور ما وظیفه درآمد خانواده بر عهده مردان است و با توجه به ویژگی عصر حاضر، پذیرش مشاغل یا ایجاد شغل مناسب بدون چنین ویژگی‌هایی تقریباً ناممکن است و به همین دلیل، دانشگاه برای پرورش چنین مهارت‌هایی، به‌ویژه در دانشجویان مرد، وظیفه مهمی بر عهده دارد.

تحلیل فرضیه سوم مطالعه نشان داد که بجز مهارت سواد رایانه‌ای، بین میزان مهارت‌های پایه عصر جهانی شدن دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه شهید چمران اهواز تفاوت معناداری وجود ندارد و

دلیل این امر می‌تواند برنامه‌ریزی مشترک مسئولان دانشگاهی برای دانشجویان همه رشته‌ها باشد یا اینکه در گروه‌های مختلف دانشگاهی برنامه‌های ویژه و متناسب با مهارت‌های روز رشته‌های تحصیلی وجود ندارد. دلیل دیگر این امر می‌تواند در سطح وسیع وجود تمرکز در برنامه‌های دانشگاهی باشد که ممکن است مدیران گروه‌های مختلف اختیاراتی برای برنامه‌ریزی در حیطه پرورش مهارت‌های متناسب با جهانی شدن در دانشجویان و کارمندان نداشته باشند و به برنامه‌ریزی‌های متمرکز و موجود بسنده کنند. تفاوت موجود بین رشته‌های مختلف در حیطه مهارت سواد رایانه‌ای به دلیل ماهیت و نوع مواد آموزشی این رشته‌ها در این دانشگاه است. از آنجا که دانشجویان فنی-مهندسی در انجام دادن تکالیف خود و در تدریس و یادگیری بیشتر از رایانه استفاده می‌کنند، در این زمینه مهارت بیشتری کسب کرده و از بین سایر گروه‌ها نمره بیشتری به دست آورده‌اند.

نتایج تحلیل فرضیه آخر پژوهش (جدول ۸) بیانگر آن است که بین میانگین‌های سال‌های اول و آخر دوره کارشناسی در مهارت سواد رایانه‌ای تفاوت معنادار وجود دارد. دانشجویان در مهارت‌های سواد رایانه‌ای روند رو به رشدی از سال اول تا سال آخر دارند که این امر می‌تواند نشان دهنده نقش مثبت دانشگاه در این زمینه باشد. در مقابل نبود تفاوت در میانگین‌های سایر مهارت‌ها، نقش خنثی و ناکارآمدی دانشگاه را در حیطه پرورش مهارت‌های مناسب جهانی شدن نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر، این نتیجه آشکار می‌سازد که دانشگاه طی چهار سال دوره کارشناسی برنامه‌ریزی کارآمد و اثربخشی برای پرورش مهارت‌های پایه در دانشجویان ندارد یا اینکه در صورت وجود برنامه مناسب، به درستی در برنامه یاددهی و یادگیری دانشگاه اجرا نشده است.

## پیشنهادها

به‌منظور افزایش و بهبود مهارت‌های اساسی عصر جهانی شدن در دانشجویان و دانش‌آموختگان پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. به دلیل اهمیت مهارت‌های پایه برای شهروندان عصر جهانی و نقش آموزش عالی در تربیت شهروند جهانی و سطح پایین دانشجویان در برخی از این مهارت‌ها، ضروری است که دانشگاه‌ها پرورش این حیطه از مهارت‌ها را در رأس برنامه‌های خود قرار دهد.
۲. از آنجا که استادان و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها نقش بسزایی در انتقال مهارت‌ها به دانشجویان دارند، برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه پرورش مهارت‌های پایه برای اعضای هیئت‌علمی علاوه بر بالا بردن سطح این مهارت‌ها در استادان، به پرورش این مهارت‌ها در دانشجویان می‌انجامد.
۳. سطح پایین مهارت کار گروهی می‌تواند نشان دهنده بی‌توجهی به انجام دادن کارها به صورت گروهی در دانشگاه و احاطه فرهنگ کار فردی در فضای آموزش عالی باشد. از آنجا که معمولاً حتی در گروه‌ها هم کار به صورت فردی به پایان می‌رسد و اعضای گروه تقسیم وظایف را به درستی انجام نمی‌دهند، نگرش مثبتی به انجام دادن کارهای گروهی وجود ندارد. استادان باید وظایف

گروهی بیشتری به دانشجویان بسپارند و از طریق تقسیم وظایف مسئولیت هر یک از اشخاص گروه را مشخص کنند. از طرفی، با توجه به فرایند ادای وظیفه هر یک از افراد گروه پاداش تعیین شود و از طرف دیگر، پاداش گروهی برای به نتیجه رساندن فرایندهای طی شده قرار دهند. در این صورت علاوه بر اینکه حقی از فردی ضایع نمی‌شود، سایر اعضای گروه برای به نتیجه رساندن کارهای خود بسیج می‌شوند و کارهای یکدیگر را کامل می‌کنند تا نتیجه بهتری کسب کنند. کسب بینش مثبت به انجام دادن کارهای گروهی و ایجاد فرهنگ کارهای گروهی، دانشجویان را برای انجام دادن کارهای تیمی آماده‌تر می‌سازد.

۴. پرورش مهارت‌های اساسی و پایه عصر جهانی شدن نیازمند محیطی انعطاف‌پذیر با برنامه‌هایی پویاست. سطح پایین ویژگی و مهارت انعطاف‌پذیری دانشجویان می‌تواند ناشی از نبود فضای مشارکتی، متغیر و منعطف باشد. ایجاد فرهنگ مشارکتی و انعطاف‌پذیر در فضای دانشگاه، کلاسها، روابط میان کارمندان و دانشجویان، استادان و دانشجویان و برنامه‌های موجود می‌تواند نقش مؤثری در بهبود این مهارت‌ها در دانشجویان داشته باشد.

۵. با وجود اینکه زبان انگلیسی سالهای متوالی در مدارس و دانشگاهها تدریس می‌شود، همچنان سطح دانشجویان در این زمینه پایین است. این امر می‌تواند به دلیل ارائه نشدن درس زبان انگلیسی با برنامه‌ریزی کارآمد و روشهای اثربخش باشد. طراحی دوره‌های اثربخش آموزش زبان و برگزاری مناسب کلاسهای زبان انگلیسی به‌طور مداوم و با استفاده از روشهای کارآمد می‌تواند در بهبود مهارت ارتباطی دانشجویان به زبان انگلیسی تأثیرگذار باشد.

تعمیم نتایج تحقیق حاضر باید با احتیاط صورت پذیرد. انجام یافتن پژوهشهای بیشتر در باره شیوه‌های آموزش و همچنین، تناسب محتوای آموزشی دروس و دوره - رشته‌های مختلف تحصیلی با سطح انتظار مطلوب از توانمندیهای دانشجویان در مهارت‌های حل مسئله، سواد یارانه‌ای، انعطاف‌پذیری، کارگروهی و مسئولیت‌پذیری راهگشا خواهد بود.

## References

1. Ahmadipour, Z., Kavandye Kateb, A., & Mirzaeitabar, M. (2010). The challenges of the Islamic World in the globalization. 4th international congress of the Islamic world geographers, Zahedan, Iran (in Persian).
2. Ahmady, H. & Virjiniary, M. (2004). *E-learning*. Tehran: Center of Industrial Learning & Researches of IRAN (in Persian).
3. Arasteh, H. R. (2009). Globalization and higher education in a changing world. *Rahyaf*, (42), 39-45 (in Persian).

4. Arbaby, N. (2011). Study of effects of globalization on teacher training in Iran. *Master's thesis*, Faculty of Educational Science and Psychology of Shahid Chamran University (in Persian).
5. Bourn, D. (2008). *Global skills*. Published by the Learning and Skills Improvement Service (LSIS).
6. Bulten, R. (2010). *Psychology of people skills*. Translate by Sohraby & roshanaey, Tehran: Arian Publication (in Persian).
7. Carey, H. A., & Bruening, T. H. (2002). An international agricultural course with an international experience. Proceeding of the 18th Annual Conference of the Association for International and Agricultural and Extension Education, Durban, South Africa.
8. Carnoy, M. (1999). *Globalization and educational reform: What planners need to know?*. Published by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
9. Crosling, G. & Ward, I. (2002). Oral communication: The workplace needs and uses of business graduate employees. *English for Specific Purpose*, 41-57 [www.elsevier.com/locate/esp](http://www.elsevier.com/locate/esp)
10. Ebady, R. (2006). *Information technology and education*. Tehran: Institute for Technology Development of Smart School (in Persian).
11. Emam Jomea, T. (2006). Changes in the global economy in the information age and its effect on the learning process. *Journal of Education, Analytical and Information Department of Education*, 38-41 (in Persian).
12. Esfandiary, T. (2004). Identify life skills needed in adult from the perspective of education experts, expertsTheoretical secondary curricula and students of the theoretical branch of government Adult high school. (Master's dissertation). University of Shahid Chamran. Faculty of Educational Science and Psychology (in Persian).
13. Fathi Vajargah, K., & Kamkary, K. (2003). The place of life skills training in Iranian Primary school curricula. Paper Presented at European Conference on Educational Research EERA. Hamburg, University of Hamburg, Germany.

14. Fathy Vjargah, K. & Vahed Chokadeh, S. (2007). Detect injuries of citizenship education in the hidden curriculum of theoretical secondary education of perspective of Tehran Female teachers and offer solutions to improve the situation. *Journal of Educational Innovations*, 15(17), 93-132 (in Persian).
15. Gidenz, A. (2006). *Global perspectives*. Translate by Jalaly por, Tehran: Publications of New Design (in Persian).
16. Hoseini Largani, M., Mir Arab, R., & Rezaei, S. (2009). Entrepreneurship education in the new millennium as an infrastructure for university graduates employment. *Quartercy Journal of Research and Planning in Higher Education* 14(4) 119-137 (in Persian).
17. Javdany, H. (2010). Globalization and higher education, the gap between theory and practice: New strategies for the development of higher education of Iran. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, (53), 107-131(in Persian).
18. Karnoy, M. (2006). Globalization and educational information. Translate by Mirzamohamady & Faridy, Tehran: Publications of Yastron (in Persian).
19. Lotf Abady, H. (2007). National and global citizenship education with strengthening the identity and value systems of students. *Journal of Educational Innovations* 5(17), 11-44 (in Persian).
20. Mansilla, V.B., & Jackson, A. (2011). *Educating for global competence: preparing our youth to engage the world*.
21. Maroofy, Y., & Yosefzadeh, M. (2009). The globalization implications on curriculum and challenges and opportunities. Eighth Articles Collection of Association of Curriculum Studies, Globalization and Indigenous Stay Curriculum: Challenges and Opportunities, First Press, pp.1414 (in Persian).
22. Media B.V.
23. Mehralizadeh, Y. (2006). *Globalization, organizational change and human resource development plan*. Ahvaz: University of Shahid Chamran (in Persian).

24. Mehralizadeh, Y. (2008). *Globalization and education systems, with emphasis on Iran*. Ahvaz: Publications of Rasesh (in Persian).
25. Morgeson, PF., Reider M., & Campion MA. (2005). Selecting individuals in team settings: The importance of social skills, personality characteristics, and teamwork knowledge personnel psychology. 58, 583-611 Retrieved from <http://thecenekreport.squarespace.com/storage/pdf>
26. Nasimyfar, H. (2010). Study of components of emotional intelligence as predictive of entrepreneurial in the student of shahid Chamran University. (Master's dissertation). University of Shahid Chamran (in Persian).
27. Partnership for 21st Century Skills (2007). 21st Century Skills Assessment.
28. Partnership for 21st Century Skills, (2009). Assessment: A 21st Century Skills Implementation Guide.
29. Shin, I. (2008). Necessary skills in english for korean postgraduate engineering students in London. *Educate Special London Issue*, 50-61.
30. Sobhany Saraty, S. (2008). Study of simple and multiple relationships between emotional intelligence with social skills of managers of Jahad Nasr of Esfahan and Job attitudes of subordinates. (Master's dissertation). University of Shahid Chamran Ahvaz (in Persian).
31. Tahmaseby, M., Pezeshky Rad, GH., & Shabany Ghomy, H. (2011). Factors affecting the ability of agriculture students to enter the labor market in the age of globalization. *Journal of Higher Education Association*, 2(4), 151-171(in Persian).
32. The North American Council for Online Learning and Partnership for 21st century skills(2006). Virtual schools and 21st century skills.
33. Vartz, M. (2001). *Globalization*. Translate by Givy & Morid, Publication of Industrial Management System (in Persian).

34. Vaziry, M., & Jahany, S. (2007). Civic skills for earthquake-stricken student's city of Bam. *Journal of Educational Innovations*, (17)163-182 (in Persian).
35. Wessels, JS. (2002). Globalisation and international compatibility - a challenge to learning within the context of application. *Sajhe Satho*, (16), (1), 189-194.
36. World Bank (2003). *Lifelong learning in the knowledge-based economy*. Translate by Emadzadeh & Kesaeian, 2009, Esfahan: Publications of Academic Jihad (in Persian).
37. Yavuz, G., Arslan, C., & Gulden, D.C. (2010). The perceived problem solving skills of primary mathematics and primary social sciences prospective teachers. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2., 1630–1635. Retrieved from [www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com).
38. Younes, M. N., & Asay, S. M. (2003). The world as a classroom: The impact of international study experiences on college students. *College Teaching*, 51 (4), 141-147.
39. Zhai, L., & Scheer, S. D. (2002). Influence of international study abroad programs on agricultural college students. *Journal of International Agricultural and Extension Education*, 9 (3), 23-29.